

— از حضرت امام باقر (ع) روایت است که فرمود: از علائم آحوال زمان دوا مر عجیب است: یکی گرفتن ماه در بنجم ماه و دیگری گرفتن آفتاب در یازدهم آن. و اینگونه خسوف و کسوف از وقت هبوط آدم علیه السلام به زمین تا بایبوقت واقع نشده. پس در این وقت حساب محمان باطل میسود.

و امیرالمؤمنین (ع) فرمود که قائم (ع) ظهور میکند مگر وقتی که سرخی در آسمان ظاهر گردد، و این سرخی از اشک جثمان حاملان عرش است که بر احوال زمین گریه کرده اند.

و از علائم دیگر ظهور بادی سیاه است در بغداد. پس زلزله شود، و ستاره دنباله داری ظهور کند از مشرق که چون ماه روشن شود... و ماه و آفتاب گریه کنان از مغرب برآیند و آن دورا روشنائی نباشد، و مانند دو شتر سیاه باشند. و اهل دنیا به آنها بنگرند و خروش و زاری کنند، و مادر از فرزند بیزار شود، و دوستان از یکدیگر اعراض جویند، و هر کس را تنها غم خودش باشد، و گریه کسی سود ندهد. پس با دیگر خدای عزوجل ماه و آفتاب را نور دهد و از جانب مشرق برآیند و مردم دوباره روبه دنیا کنند و گناه ورزند و به کشت و زرع مشغول شوند و حریفی گردند بر دنیا...

— و از علائم دیگر، ایستادن آفتاب است از وقت ظهر تا عصر، و نمایان شدن روی و سینه مردی در روی جرم آفتاب که خلایق او را با حسب و نسب میشناسند.

و در این احوال سفیانی از سمت وادی یابس خروج میکند تا اینکه در دمشق فرود آید، و از آنجا لشکری به سمت مشرق و لشکری بسوی مدینه میفرستد، و لشکر اول در ارض بابل که از جمله نواحی بلده ملعونیه یعنی بغداد است فرود میآیند... و لشکری دیگر بجانب

مدینه رود در طلب شخصی از آل محمد (ص) که جمعی از شعیبان با آنها باشند ، و امیر آن لشکر مردی از عرب عطفان باشد ، و چون به لقاء ابیض رسیدند یعنی در زمین سفید که همان بیضاء باشد که در احادیث آمده ، آن زمین ایشان را فرو برد ، و حوارج از بحر فارس و بنی خالد از مشرق ظهور کنند ، و قتل سوار در میان دو طایفه عجم واقع شود ، و علم ساه خراسانی از فرات به کوفه رود ...

و چون وقت ظهور قائم آل محمد (ص) نزدیک شود ، در جمادی الآخر و ده روز از ماه رجب سارانی بسازد که با آن خدا برویاند گوشت های مؤمنان و بدنهای ایشان را در قبرهایشان . و دیگر از علائم آخر الزمان پدید آمدن دو باغ سبز است بر دو جانب مسجد کوفه .

(بحار الانوار ، جلد سیزدهم)

(وحق الیقین ، جلد دوم)

در کیفیت ظهور خلاصه کائنات

در کیفیت ظهور آن خلاصه کائنات و فخر موجودات و قبله اهل ایمان بر کافه ساکنان ارض و سماوات و استیلائی آن حضرت بر کل سلاطین و ممالک عرصه زمین :

بدانکه وقتی برای ظهور حضرت معین نشده و بیخبر ظاهر میشود ، و هر که تعیین وقت نماید خود را در علم غیب با خدا شریک کرده است ... آن جناب ولایت مآب در سال طاق از هجرت روز جمعه نوروز عجم که مصادف با دهم محرم خواهد بود بصورت جوانی کامل ، چهل ساله یا کمتر ، داخل مکه معظمه شود ، با عمامه زردی بر

سر و لباس رسول الله در سر و نعلین آن حضرت دریای و
 عصای آن جناب در دست ، و زوی چند در پیش انداخته ، و
 کسی آن حضرت را نشاسد . پس چون شب دیده ها همه
 بحواب رود نازل شود از جانب حق تعالی بر آن حضرت
 جبرئیل و میکائیل و صف صف از ملائکه . پس جبرئیل بر آن
 حضرت عرض کند که ای آقای من ، اینک فرمان توحاری
 است . آنگاه دست مبارک بر روی خود کُشد و میان رکن
 و مقام ایستاده و ندا کند و نفاء خود را بطلبد . پس
 سیصد و سیزده نفر مومن از محراب نماز و فراش خود که
 خوابیده باشند از همه بلاد متفرقه بغیر بصره جمع
 آیند ، و بعضی شب از رختخواب خود ناپدید شوند و بعضی
 سوار ابرها شده و صبح به طی الارض در برابر آنحضرت
 ایستاده باشند . و حضرت سیصد و سیزده شمشیر که از
 آسمان بنام هریک و بدرش آمده به ایشان قسمت کند . و
 چون صبح شود پشت به کعبه ید بیضا بلند نماید و
 فرماید : این است دست خدا ! پس اول کسی که دست
 مقدس آن جناب را بوسد و به سعادت بیعت مشرف شود
 جبرئیل باشد و بعد از آن ملائکه ، و نجباء قوم اجنه ،
 و نجباء ، و چون آفتاب بلند شود از نزد قرص خورشید
 منادی ندا کند به زبان عربی فصیح که به همه اهل
 آسمانها و زمینها برسد که : ای گروه خلایق ، این
 است مهدی آل محمد ، و به نام و نسب و کنیت جدش و نسب
 او را ذکر کنید . پس بیعت کنید و اطاعت او نمائید تا
 هدایت یابید و مخالفت او مکنید . و نزدیک غروب شیطان
 ندا میکند از مغرب که ای خلایق پروردگار شما سفیانی
 است که در فلسطین ظاهر شده ، بروید و متابعت او
 کنید . پس هر صاحب شکی و منافقی بندای او گمراه شود .
 و حضرت قائم همچنان پشت به کعبه ایستاده و میفرماید
 که ای خلایق آگاه باشید هر که خواهد نظر کند به آدم

و شیب و نوح و ابراهیم و اسماعیل و موسی و عیسی و
 شمعون ، و خواهد که نظر کند بسوی محمد و علی و حسن و
 حسین و ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین ، پس سه
 من نظر کند که کمالات همگی با من است . آنگاه شروع
 نماید به تلاوت صحف آدم و شیث و نوح و ابراهیم و ثورات
 و انجیل و زبور و فرقان ، و به نحوی تلاوت فرماید که
 اهل ملل تحدیق نمایند که آنچه تغییر و نقصان از ما
 فوت شده بود همه را خواند .

پس حضرت مسجد و کعبه را به اساس قدیم بنا کند ،
 و دستهای بنی شیبه را که کلید دار و خائن بودند بریده
 به کعبه آویزد ، و بعد از آن خلیفهای در مکه تعیین
 نموده و باده نفر از ملائکه واجنه و اصحاب به سوی
 مدینه توجه فرماید . پس اهل مکه خلیفه او را بکشند
 و حضرت بر سر ایشان برگردد و خلیفهای دیگر تعیین کند ،
 پس آن خلیفه را هم بکشند ، و آن حضرت اجنه را بر
 گرداند تا بکشند هر که را ایمان نمی آورد ، و از صد
 بلکه از هزار یکی ایمان نمی آورند .

پس حضرت مدینه را به نور قدوم خود مشرف گرداند ،
 و امر فرماید که خلائق جمع شوند ، و هر ظلمی و کفری که
 از اول عالم تا انقراض بنی آدم شده گناهانش را بر
 ایشان لازم آرند ، از زدن سلمان و سوختن در خانه اهل
 بیت رسالت ، و شکستن دست و پهلوی مظلومه صابره ، و
 اسقاط طفل معصوم حضرت زهرا ، و زهر دادن امام حسن ،
 و شهید کردن امام حسین ، و بریدن سر اطفال و خویشان
 و یاوران وی ، و اسیر کردن اهل بیت رسول خدا و ریختن
 خونهای ایشان و هر خون و فرج و مال و امر حرام که واقع
 شده . آنگاه امر فرماید که شیعیان هر که حاضر باشد
 از ایشان قصاص کند .

پس حضرت گروه بسیاری از مدینه خصوصا از قریش
 بکشد ، و با سیصد و سیزده نفر یاران خود و حرثییل از
 راست آنحضرت و میکائیل از چپ و رعب از پیش او و پشت
 سر او ، بسوی نحف رود ، که یکماه راه است ، و مسدد
 فرماید او را خدا با پنجهزار ملک . پس به کوفه
 هجوم آرند و روز جمعه از جانب عساکر سفیانی به تیری
 مسلمانی از لشکر آن حضرت کشته شود . پس در آنوقت
 فرزند اسداللهی پرچم رسالت پناهی را باز کند ، و
 نازل شوند ملائکه جنگ بدر . پس آنحضرت و اصحاب حمله
 کرده لشکر سفیانی را چنان بکشند که همه فانی شوند .
 و یکی از اولاد آن حضرت (!) که سعد از خود حضرت
 کسی قوی تر و شجاع تر از او نیست با دوازده نفر از
 طالقان به کوفه آید ، و حضرت صاحب الزمان ملحق شده
 گوید چرا اینقدر میکشی ؟ آیا عهدهی از رسول خدا
 داری ؟ آنگاه یکی از موالیان آن حضرت با او گوید که
 ساکت میشوی یا گردنت را بزنم ؟ پس او تحدید بیعت
 کند و حضرت امیر لشکر سفیانی را که اسیر شده بدست
 خود در زیر درخت حیره که طرف شام است ذبح کند ، و
 کافری در کوفه زنده نگذارد ، و هر سنگ و درختی که دشمن
 با او پناه برده نشان دهد و درندگان و طیور و وحوش از
 گوشت کفار سر شوند . پس حضرت به نحف اشرف فرود
 آید با چهل و شش هزار ملک و همان تعداد از حق ، و سیصد
 و سزده نفر مؤمن که در خدمت آنحضرت باشند ، و
 ملائکه ای که با نوح علیه السلام بودند در کشتی و با
 ابراهیم علیه السلام در آتش و با موسی علیه السلام در شق
 دریا و با عیسی علیه السلام در عروج به آسمان ، و چهار
 هزار مسومین ، و هزار مردفین ، و جمعی از ملائکه که
 در جنگ بدر با رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل
 شدند ، و چهار هزار که بر حضرت امام حسین علیه السلام

نازل شده و رخصت جنگ نیافتند ، و در آنوقت ملائکه واجبه
 با مردم الفت و معاشرت میکنند ، و از پشت کوفه هفتاد
 هزار نفر صدیق خدا مبعوث کنند که اصحاب و انصار آن
 حضرت باشند . و گنجها و معدنهای زمین بر آن حضرت ظاهر
 شود ، و انواع بادها مخر آنحضرت گردد ، و حضرت را
 شوکتی باشد که به هر جا توجه فرماید یکماه راه رعب
 به دلها افتد ، و قوتی داشته باشد که بزرگترین
 درختان را از ریشه برکند ، و آن حضرت را هیتی باشد
 که هرگاه در میان کوهها صدائی بزند از هم فروریزند .
 پس کعبه به کربلا تفاخر کند ، و حق تعالی وحشی
 فرماید به کعبه که ساکت باش و فخر مکن بر کربلا . و از
 پشت قبر امام حسین علیه السلام نهری به سوی نجف جاری
 شود که به دریای نجف ریزد و در میانش بلها و آسیابها
 ساخته شود . پس حضرت زانی محصنه را سنگسار نماید و هر
 کسی را که زکوة نداده باشد گردن بزند . و هر شعبه را
 قوت چهل مرد پیدا شود . و حضرت قروض شیعیان را که
 مرده اند ادا کند حتی دانه خردل . و از شیعیان هر که
 خواهد زنده شود و بخدمت آن حضرت آید . پس حضرت
 همراه لشکر خود تشریف میآورد بر سر سفیانی که همانا
 امیر الامراء لُکر دجال است از بنی کلب که در آنوقت
 دروادی رمله است ، و در آنروز که روز ابدال است
 جنگ برپا گردد و سفیانی و لشکرش چنان کشته شوند که
 کسی نماند که خسر برای دجال ببرد ، و آنحضرت بعد از
 نزول عیسی علیه السلام بر دجال غالب شود و او را در شام
 و به روایتی بر روی صخره بیت المقدس بقتل رساند ،
 و بعد از طی کار سفیانی و دجال لشکر به اطراف فرستد
 و هر یک از سصد و سیزده نفر را بر ولایتی والی گردانند
 که حکام الهی در زمین بر خلق باشند .
 و حضرت بگشاید علم رسول خدا را ، و آنرا متوجه

هرجا نماید خدا اهل آنجا را هلاک نماید، ولسگری به اسلامبول فرستد، چون به خلیج رسند چیزی بیای خود نوشته بر روی آن عبور نمایند، وبنی امیه به فرنگ فرار نمایند، وحبسها بگردن اندازند، واهل فرنگ ایشان را امان دهند، ولسگر حضرت قائم ایشان را تعاقب کند وفرنگیان امان طلبند واصحاب حضرت قائم (ع) به شرطی امان دهند که گریخته هاراگرفتنه وهمه را گردن بزنند، وآنگاه تمامی بلاد را فتح نمایند و نام کفر وشرک از زمین برطرف شود. واحادث در مدت سلطنت آن حضرت مختلف است، بین سیصد وپنجاه سال که مدت مکتب اصحاب کعبه است، وچهل و هفت سال تا هفتاد سال هم وارد شده است.

پس حضرت روح الله مخدره‌ای از اهل بیت عصمت و طهارت را به حاله عقد خود در آورد، وبعده ازطبی واقعه هائله یاجوج وماجوج احرام حج بستند، ولی پیش از وصول به مکه در سحده به رحمت خدا نائل گردید و طریق فردوس در پیش گیرد، وبه حدیث نبوی به شرف دفن در پناه آن حبیب الله فائز گردد.

در فضای بعد از ظهور

... و حضرت صادق علیه السلام میفرماید که بعد از حضرت قائم علیه السلام، حضرت امام حسین علیه السلام با هفتاد و دو تن شهید کربلا و دوازده امام و دوازده صدیق (و به روایتی هفتاد و پنج هزار) بیرون آید، و بعد از آن صدیق اکبر امیرالمؤمنین علیه السلام، و برای او قبه‌ای در نجف برپا شود که یک رکن آن در نجف

وبکی در بحرین وبکی در صفای یمن و چهارم در مدینه
 باشد ، و یکماه بعد از آن سید اکبر محمد مصطفی صلی
 الله علیه وآله برآید با هر مؤمن از مهاجر و انصار
 و یهود ، جنگ های بدر واحد . پس زنده کند هرکس را
 تکذیب و دشمنی آن حضرت کرده باشد تا در دسام به
 جزای خود برسد . . . و چون رسول خدا را نظر بر مظلوم
 کرد لا افتد جان بگرد که آسمانها و زمین ها به گریه
 او بگریزند ، و حضرت فاطمه نعره ای زند که زمیں و
 آسمان بلرزید و آسمانهای هفتگانه و عرش الهی و هر که
 زیر زمین باشد بخروش آیند . پس رسول خدا و اهل بیت
 راضی نشوند مگر آنکه کشندگان و ظالمان اهل بیت
 آنروز هفتاد مرتبه کشته شوند . پس حضرت امیر
 المؤمنین علیه السلام به حضرت امام حسین علیه السلام
 بدهد شمشیر رسول خدا را ، و بفرستد او را به مشرق و
 به مغرب تا جمیع دشمنان خدا را بکشد و بتها را بسوزاند
 و کل بلاد هند را فتح کند ، و حضرت یونس و دنیا را زنده
 شوند و به خدمت امیر المؤمنین آیند ، و حضرت ایشان را
 با لشکری به بصره فرستد که دشمنان را بکشند .
 و حضرت امام حسین (ع) آنقدر پادشاهی کند که
 موهای ابرویش به چشم مبارکش افتد . و حضرت امیر
 حسین (ع) بر تختی از نور و قبه ای از یاقوت سرخ مزین
 به انواع در و حواهر که بر دور آن نور هزار قبه سبز
 باشد بنشیند ، و آن حضرت بعد از وفات صاحب الامر
 سصد و نه سال پادشاهی کند . بعد از آن نوبت سلطنت
 امیر المؤمنین علیه السلام باشد ، و آن حضرت در خطبه
 خود فرماید : " منم صاحب دولتهای عجیب ، و منم
 صاحب انتقامهای بیشمار ، و منم صاحب رجعتهای بسیار ،
 و منم صاحب دولتهای عجیب ، و منم خازن علم سر خدا ،
 و منم امثال علیا و آیات کبری ، و منم صاحب بهشت

و دوزخ . نامن است ازدواج اهل حیان ، و سوی منم
 است بازگشت خلق در قیامت . منم مؤذن اعراف . منم
 ظاهر در آخرالزمان پیش جنمه آفتاب با عصای موسی و
 انگشتر سلیمان . منم امر همه مومنان و حاتم و صباء
 بنمیر آخرالزمان . منم آنکه خدا مسخرم با حبه اسیر
 و رعد و برق و سور و ظلمت و باد و کوهها و صحراها و دریاها
 و آفتاب و ماه و ستاره ها را " . و حضرت امیر المؤمنین
 حنبل هزار سال بادشاهی کند ، و از هشتاد و سه هزار پسر
 بهم رسد در هر سالی یک پسر و دویست و سی .

و آن حضرت بار دیگر با حضرت امام حسین (ع)
 رحمت فرماید و از معاویه و تبعه او انتقام بکشد ، و در
 همان صفت بعد از آنکه سی هزار از یاران آن حضرت
 و هفتاد هزار از یاوران دیگر زنده شوند معاویه و
 اصحابش همه زنده شوند و همه را بکشند .

و دنیا منقضی نشود تا آنکه رسول خدا (ص) و امیر
 المؤمنین (ع) بدنیا برگردند و در نجف یکدیگر را
 ملاقات فرمایند و در آنجا مسجدی برپا کنند که دوازده
 هزار در داشته باشد .

(سحر الانوار ، جلد سیزدهم ،
 مجمع المعارف و مخزن
 العوارف ، عین چهارم ، جدول سوم)

— در حدیث معتبر از حضرت صادق نقل است که :
 چون روز موعود فرارسد و امام غایب در مکه ظهور
 فرماید ، سید و سیزده تن یاران او از طالقان و قم
 و سبزوار و کاشان ، و غیره باطنی الارض خود را به مکه
 خواهند رسانید ، و امام شمشیر از نیام برکشیده
 " یالثاوات الحسین " خواهد گفت ، و به انتقام خون
 حسین هر چه بنی امیه و بنی عباس است (!) خواهد شد

گفت ، خدا که برامون کعبه در بای خون گردد ، و خون مردم بگویند اس خونری سحاب برای چیست ؟ آن حضرت به من رفیق با دیدگان اشک آلوده لب که گفت خون آلود علی اکبر را بدانسان دهد و گوید : اگر هم تمام مردم زمین را بکشم ، نقاص اس لب که کثرت نخواهد بود . "

و خون میدی کار خود را کرد و زمانش با آن آمد ، بدست زن رسی داری گشته بود ، پس از آن اما میان یکایک به دنیا بازگشته به کار امامت خواهد پرداخت ، و یاران و دشمنان هر یک از آنها نیز زنده خواهد شد ، و هر امامی دشمنان خودش را خواهد کشت .

— سعدالله بن عبدالله در بشارت از حضرت امام جعفر صادق (ع) روایت دارد که : شیطان علیه اللعنه از خدا مهلت گرفت برای گمراه کردن خلائق تا یوم وقت معلوم . چون آن روز ظاهر شود شیطان با جمیع اتباعش از روزی که خدا آدم را خلق کرده است تا آنروز .

و حضرت امیرالمؤمنین (ع) در آنوقت برگردد ، و این آخر برگشتهای آن حضرت است . چون حضرت (ع) بیاید با اصحابش و شیطان نیز بیاید با اصحابش ، ملاقات ایشان در کربلا واقع شود ، نزدیک به کوفه . پس قتالی واقع شود که هرگز مثل آن واقع نشده باشد . گویا می بینم اصحاب حضرت امیرالمؤمنین (ع) را ، که صد قدم از پس پشت برگردند ، و پای بعضی در میان آب فرات داخل شود . پس آبروی به زیر آید از آسمان که پر شده باشد از ملائکه ، و رسول خدا (ص) حربهای از نور در دست داشته باشد و در پیش آن آبر آید . چون نظر شیطان بر آن حضرت افتد از عقب برگردد ، و اصحابش به او بگویند اکنون که ظفر یافتی به کجا میروی ؟ او گوید : من می بینم آنچه را که شما نمی بینید ، و میترسم

از پروردگار عالمان . پس حضرت رسول (ص) سده او
برسد و حربه را در میان دو کتفین بزند که او و اصحابش
همه هلاک شوند .

و هر آنچه گفته شد ، به روایت بسیار معتبر از
حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده است .

(بحار الانوار ، جلد سیزدهم .

حق السیف ، جلد دوم)

— سعد بن عبدالله رحمة الله عليه — در

" بحاثر " از حضرت امام محمد باقر (ع) روایت کند
که : چون حضرت امام عصر (عج) ظهور فرماید تاریخه
ظلم و جور و کفر را برکنند ، اول کسی که برخواهد گشت
حضرت امام حسین (ع) خواهد بود ، و آن مقصدار
پادشاهی خواهد کرد که از فرط پیری موهای ابروان
او بر روی دیده‌اش آویخته شود . . . و آن حضرت در صحرای
کربلا پیش از شهادت فرمود : اول کسی که زمین شکافته
شود و بیرون آید من خواهم بود . و بیرون آمدن موافق
خواهد افتاد با بیرون آمدن امیرالمؤمنین و قیام قائم
آل ما علیه السلام . پس نازل میشوند بر من جبرائیل و
میکائیل و اسرافیل و لشکرها از ملائکه ، و جمیع انبیاء
و اوصیاء ، سوار بر اسبان ابلقی از نور . پس رسول
خدا (ص) علم خود را بدست میگیرد و شمشیر خود را بسه
دست قائم آل ما میدهد . پس حق تعالی بیرون میآورد
از مسجد کوفه چشمه‌ای از روغن و چشمه‌ای از شیر . آنگاه
حضرت امیرالمؤمنین (ع) شمشیر حضرت رسول (ص) را
به من دهد و مرا به جانب مشرق و مغرب بفرستد . پس هر
که دشمن خدا باشد خورش را بریزم و هربتی را که بیابم

سوزانم تا به زمین هند رسم ، و جمع بلاد هند را فتح کنم . و حضرت دانیال و حضرت یوسف زنده شوند و سایرین بجانب حضرت امیرالمومنین (ع) . پس آن جناب هفتاد نفر را ایشان بفرستد بسوی بصره که هر که در مقام مقابله برآید او را بکشند . و لشگری بسوی بلاد روم فرستد که آنها را فتح کنند . پس هر حیوان حرام گوشت که در دنیا باشد بکشم تا آنکه به غیر طیب و نیکو در روی زمین نیباشد . جزیه را بر طرف کنم و یهود و نصارا و سایر ملل را مخیر گردانم میان اسلام و مشرک . هر که اسلام را نخواهد خورش را بریزم ، و هبج مردی از شیعیان نماید مگر آنکه خداوند ملکی را به سوی او بفرستد تا زنان و منزل او را در بهشت به او بنمایاند . حق تعالی برکت را از آسمان به زمین فرو فرستد ، به مرتبه‌ای که میوه تابستان در زمستان و میوه زمستان در تابستان بعمل آید .

— و پس از این واقعات است که پنجاه روز عقبه عالمسوز قیامت و طوفان احوال و خروج خلایق از قبور در دشت پر دهشت و وحشت محشر فرارند ، که آن را پنجاه موقف با غل و زنجیر است که در هر موقفی هزار سال خلایق را به جهت حساب اعمال باز خواهند داشت ، و ما برای این موقف جداگانه مذکور خواهد شد .

(مجمع المعارف و مخزن
المعارف ، عین چهارم ، جدول
سوم ، در جریان وقایع غریبه
هایله بعد از ظهور آن حضرت
تا وقوع بلایه عظمی و قیامت کبری)

— حضرت امام محمد باقر (ع) فرمود که : چون قائم آل محمد در آخر الزمان ظهور فرماید ، عایشه را

زنده کند با او حد زند و استنقام حضرت فاطمه علیهما
السلام را از او بگیرد .

(شرح صدوق اسو جعفر محمد اس
با نوبه معنی ، علل السرا مع)

— و حابر رحمة الله علیه از حضرت امام محمد
باقر علیه السلام روایت کند که فرمود : بخدا سوگند
که مردی از اهل بیت ما سصد و نه سال پادشاهی خواهد
کرد بعد از آن که قائم آل محمد از دنیا برود .
برسدم : حضرت صاحب الزمان خود چند سال پادشاهی
میکند ؟ فرمود : نوزده سال ، و بعد از وفات آن
حضرت هرج و مرج و فتنه بسیار خواهد بود تا بحاه سال .
پس حضرت امام حسن (ع) خواهد آمد و طلب خون حسود
و اصحاب خود را خواهد کرد ، و آنقدر بکشد و اسیر کند
که مردم بگویند : اگر این ذریه پیغمبران بود اینقدر
آدم نمیکشت .

(نقل از کتاب حصه ، سوره

جمهوری اسلامی ، شماره

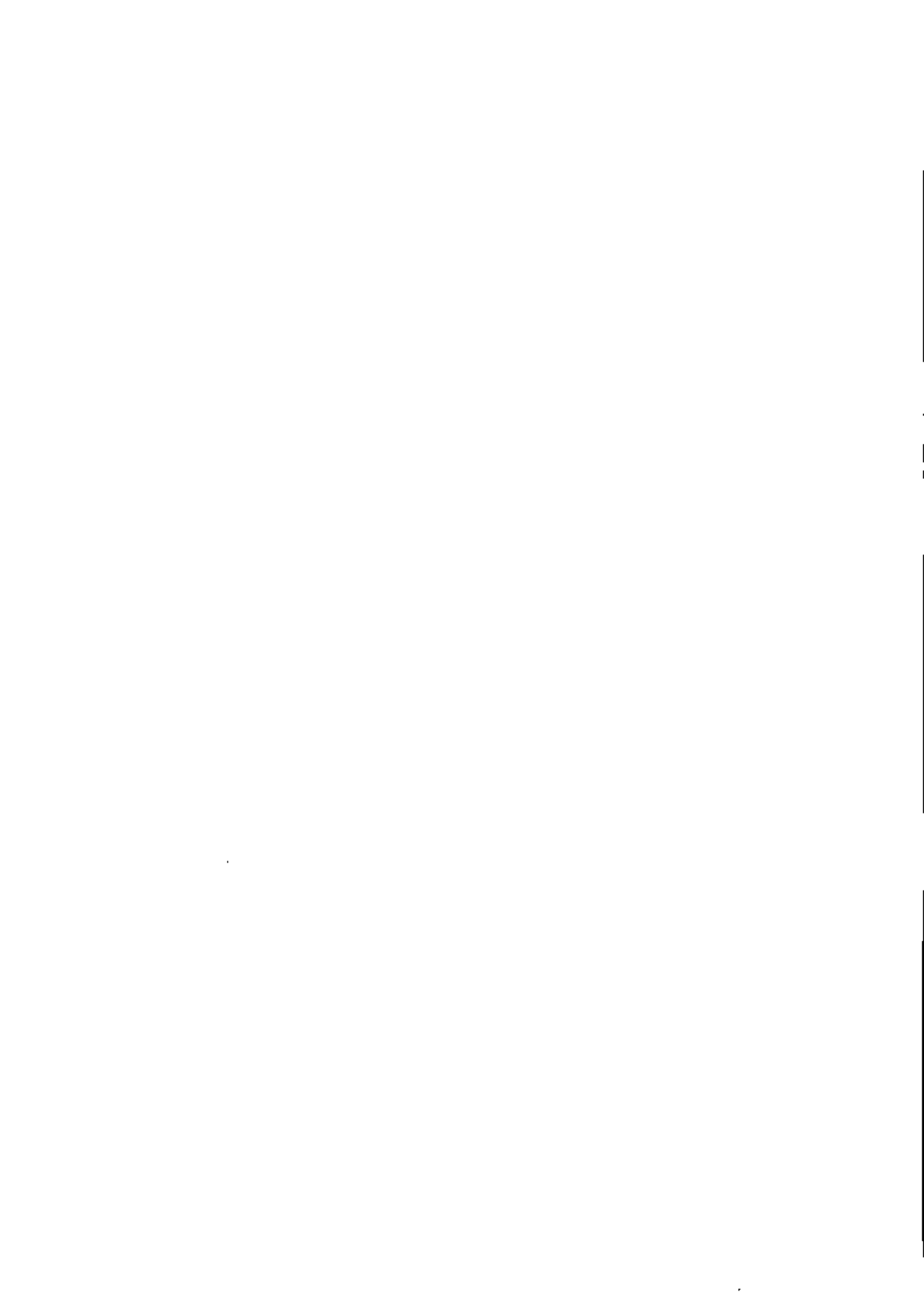
۲ ، ۱۱ مه ۱۳۵۸)



احکام و قوانین

چون حقیقت پیش او فرج و گلو است،
کم بیان کن نزد او اسرار دوست!

(مولوی)



درگناهان کبیره

بدانکه محتهدین عدد گناهان کبیره را درکتب خود مختلف ذکر کرده اند : بعضی از ایشان بیست ذکر کرده اند ، بعضی گفته اند که عدد گناهان کبیره هفتاد است ، و در بعضی احادیث آمده است که عدد گناهان کبیره به هفتصد نزدیکتر است که به هفتاد ، و بعضی از محتهدین نیز گفته اند که هیچ گناهی صغیره نمیشاید ، بلکه همه گناهان کبیره اند .

اما از جمله آن گناهان که در آنها تفاق است : اول ، اثبات شریک جهت خدایتعالی کردن . دوم ، زنا کردن . سوم ، لواطه کردن . چهارم ، از جنگ گناه گریختن هرگاه در رکاب امام باشد و دشمن کمتر از دو برابر باشد . پنجم ، به دیار کفر رفتن بعد از مسلمان بودن . ششم ، سحر کردن . هفتم ، بنگ و شراب خوردن . هشتم ، از مکر خدایتعالی ایمن بودن . نهم ، عاق شدن . دهم ، قیادت ، یعنی زنان و مردان را بیکدیگر به حرام رسانیدن . یازدهم دیوث بودن . دوازدهم ، بازن خود ظاهر کردن . سیزدهم ، گوشت مرده و گوشت خوک به احتیاج خوردن . چهاردهم ، سرود مستان شنیدن .

در احکام جهاد

بدانکه جهاد از اعظم ارکان اسلام است . و سه طایفه اند که قتال کردن با ایشان واجب است : طایفه اول حری و ایشان دو گروهند : گروه اول مسـردان جوانند که غیر خدای را پرستش میکنند چون آفتاب پرستان و ستاره پرستان و بت پرستان . گروه دوم جماعتی اند که هیچ چیز را پرستش نمی نمایند ، چون ملحدان و دهریان و با این هر دو جماعت جهاد کردن در حضور امام واجب است تا آنکه مسلمان شوند . طایفه دوم اهل کتابند ، و اینان دو قوم اند : قوم اول جماعتی اند که کتابی در دست دارند و پیغمبری داشته اند چـون یهودان که تورات کتاب ایشان است و نصاری که انجیل کتاب ایشان است . قوم دوم آنکه کتابی ندارند و پیغمبری نداشته اند ، اما به شبه کتابی و پیغمبری قائلند ، چون مجوسان که میگویند کتابی موسوم به ژند و پاژند دارند و پیغمبری زردشت نام داشته اند ، و در احادیث وارد شده که ایشان کتابی داشته اند آنرا سوخته اند و پیغمبری داشته اند که اوراکشته اند ، و پیغمبر ایشان کتابی بدیشان آورده بود که بر پوست دوازده هزارگاو نوشته بودند ، و جهاد با این فرقه نیز واجب است تا آنکه مسلمان شوند یا جزیه قبول کنند با شرایط ، و از جمله این شرایط آن است که زنا با زنان مسلمانان نکنند ، و کفار را براسرار مسلمانان

عالم نوازند و جیری از اخبار مسلمانان به ایشان ننویسند ، و مردان و زنان مسلمانان را نکندند ، و ناقوس نزنند ، و خانه‌های خود را بلندتر با برابری خانه‌های مسلمانان نوازند بلکه پست‌سازند ، و لباس ایشان غیر لباس مسلمانان باشد یا چهارپای سواران ایشان غیر چهارپای مسلمانان باشد ، و بریکطرف آن سوار شود یعنی هردو پای خود را بریکجانب او نزنند ، و براس سوار نشوند و بر زمین ننشینند ، و نصاری زنار بر میان نیندند ، و در جاده راه نروند بلکه از جاده منحرف شوند .

و حرام است در چهارماه حرام قتال کردن ، و در حالت اختیار باید که قتال در وقت زوال آفتاب یا بعد از گذاردن نماز ظهر و عصر باشد ، چراکه در آنوقت درهای آسمان گشاده است و فتح و نصرت و رحمت نازل میشود . . . و جایز است قتال کردن بهر نوع که فتح در آن ممکن باشد ، چون خراب کردن منازل و قلاع کافران و سنگ انداختن به منحنیق برایشان و منع کردن از تردد قافله بسوی ایشان ، و کشتن ایشان اگرچه در میان ایشان زنان و اطفال و پیران و اسیران کشته شوند ، و بسو آتش سوزاندن ایشان و بریدن درختان ایشان و منع کردن آب از ایشان .

و مکروه است نگاهداشتن اسیر جهت کشتن و جیزی به او ندادن تا آنکه بمیرد ، و در حدیث وارد شده که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله وسلم هیچکس را بدین طریق نکشته مگر عقبه بن اسبی معیط را .

و از غنائمی که از کفار گرفته میشود رخصت پوشیدنی و عمامه و سلاح چون شمشیر و نیزه و زره و سپر و اسبی که در معرکه بر او سوار باشند یا در دست داشته باشند به کسانی تعلق دارد که ایشان را کشته

باشد ، و با انگشتری و مبان بند و همان کفار تعلق
به کشندگان دارد یا نه ؟ میانه محنیدیس خلاف است .
و سنت است که در تسم غنائم تا حیرت نمود ، و امام
در قسمت ابتدا به جماعتی کند که سی ایشان زیاده
باند و بعد از ایشان امار را مقدم بدارد و بعد از آن
عرب را و بعد از آن عجم را ، و امام را میرسد که حیثیت
خود آنحه خواهد جدا کند ، چون کنیزگان خوب و
متاع های نفیسی .

و اما اسیرانی که در جنگ بدست افتند و غیر بالغ
وزنان ایشان بمحرد اسیرگشتن ملک آنانی میشود که
ایشان را گرفته باشند ، اما مردان بالغ ایشان اگر
در وقت جنگ بدست افتند امام مخیر است میانه کشتن
ایشان یا بریدن دست و پای ایشان و گذاشتن که خون از
آن برود و سمیرد .

(جامع عباسی ، باب ششم ، ثواب
جهاد . و شروط جهاد . و جهاد . با کفار
حربی . در کیفیت جهاد . کردن)

— علی بن ابراهیم از پدر خود ، و او از بکر بن
صالح ، و او از قاسم بن برید نقل میکند که ابو عمرو
الزبیری گفت : حضرت ابی عبدالله امام صادق علیه
السلام در جواب پرسشی که از او کردم فرمود : خستدای
تبارک و تعالی ایمان را میان همه اعضای بنی آدم بخش
و تقسیم کرده است و هر عضوی در این باره وظیفه اش غیر
از عضو دیگر است ، و بردل واجب شده غیر از آنچه بر
گوش واجب شده ، و بردست واجب شده غیر آنچه بر پیا
واجب شده ، و برپا واجب گشته غیر آنچه بر فرج واجب
آمده است . . . و دست برای آن ساخته شده که با آنچه خدا
امر فرموده دراز شود ، که از جمله آن قتل کافران

است . و فرمود : " چون به کافران سرخوردید آنها را
گردن بزنید و اگر آنها را اسر خود کردید بدنشان را
محکم کنید ، پس یا منت شهید و یا خوبها بگیرید " . و
این است آنچه خدا بر دست واجب ساخته ، زیرا که ردن
کار دست است .

(اصول کافی ، کتاب الاسمان والکفر ،
باب فی ان الاسمان سنوت لحوارج
سند ن کلہما)

در حدیث است از حضرت علی بن موسی الرضا
علیه السلام ، که از حضرت امام حسین سید الشهداء (ع)
نقل فرمود که حضرت علی (ع) از قول رسول خدا صلی
الله علیه وآله فرمود : رزمندگان اسلام همانوقت که
مجهز میشوند برای جنگ ، از زیر بار کلبه گناهان
خود خارج میشوند همانطور که مار پوست می اندازد .
آنگاه خداوند سبحان برای هر یک از آنها چهل فرشته
میگمارد تا آنها را از جانب جلو و عقب و راست و چپ
محافظة نمایند . و وقتی که بدن شهید از روی مرکب
به زیر فرو میغلطد خداوند یک حوری بهشتی را بر
بالینش میفرستد . و از آن لحظه ببعد شهید در بهشت
مخصوصی میگیرد و در پرتو تجلیات چراغهای نورانی
که به عرش آویخته است مأوی میگزیند . و به هر شهیدی
هفتاد غرفه از غرفه های بهشت تعلق میگیرد که فاصله
هر یک از آنها به وسعت فاصله صفا تا شام است .

در احکام قصاص و دیات

— بدانکه در قصاص شرط است مساوی بودن طرفین در آزادی و بندگی . پس مرد آزاد را بعوض بنده نمیکشند ، و مرد آزاد را جهت مرد آزاد و زن آزاد میکشند بعد از آنکه نصف دیه مرد را به ورثه او دهند . و مسلمان را جهت کافر قصاص نمیکنند ، بلکه اگر جهود را کشته باشد فقط تعزیرش میکنند و دیه میدهند . و اگر کافری کافری را بکشد و مسلمان شود قصاص از او ساقط میشود و فقط دیه میدهد . و پدر وجد را جهت قتل پسر و پسر زاده نمیکشند بلکه ایشانرا تعزیر میکنند ، و اگر پسر و بیگانه ای در کشتن پسر شریک باشند بیگانه را میکشند و پدر نصف دیه بیگانه را به ورثه او میدهد .

— و اگر شخصی اقرار کند که شخصی را کشته ، آنگاه شخصی دیگر گوید که من کشته ام ، این مسئله ای است که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه امام حسن علیه السلام را به جواب آن ما مورساخته اند و آن حضرت فرموده که قصاص از هر دو ساقط است و خونبهای مقتول را از بیت المال باید داد . و هرگاه دو مرد عادل گواهی دهند که شخصی دیگر را کشته قصاص ثابت میشود و به گواهی زنان یا دو زن و یک مرد ثابت نمیشود .

— و اگر جماعتی به کشتن شخصی شریک باشند ، ولی مقتول میتواند که همه را بکشد و زیادتی خونبهای ایشان را به ورثه ایشان بدهد ، و اگر دو زن یک مرد را بکشند

هر دو را بعوض مرد میکشند ، چه دو زن به عوض یک مرد حساب میشود .

— واگر کسی چنان کرده باشد که بینائی چشم کسی رفته باشد و حدقه بحای خود باشد ، کیفیت قصاص او بطریقی که در حدیث وارد شده آن است که قدری پنبه را تر کنند و بر پشت چشم او بگذارند و او را در برابر آئینه گرمی که او را روزه آفتاب کرده باشند بدارند تا آنکه بینائی چشم او برود و حدقه بماند .

— و ذکر مرد جوان را بعوض ذکر مرد پیر ، و خننه کرده را بعوض ختنه ناکرده میتوان برید .

— و هرگاه کسی کاری کند که شخصی در حال جماع منی او بدشواری بیرون آید باید خونبها بدهد ، و نیز باید خونبها بدهد اگر کسی کاری کند که همیشه بسول از شخصی آید و منقطع نشود ، و اگر کسی کاری کند که شخصی حرف نتواند زد و زبان داشته باشد ، ولی اگر بعضی از حروف را نتواند گفت و بعضی را نتواند گفت قیاس بسر بیست و هشت حرف باید کرد ، و اگر کسی گردن شخصی را بشکند که همچنان کج بماند ، و اگر کسی ذکر کسی را از بیخ یا از حشفه ببرد ، و اگر شخصی خصه کسی را ببرد ، و اگر کسی هر دو طرف فرج زنی را ببرد خواه بکر باشد و خواه غیر بکر و خواه کوچک و خواه بزرگ ، و اگر کسی زنی را دخول کند چنانکه موضع بول و غایط یا مخرج بول و حیض او را بدراند و هر دو راه را یکی کند ، خواه شوهرش باشد و خواه اجنبی و خواه بالغ باشد و خواه غیر بالغ ، اما در بالغه هرگاه شوهر او باشد خونبها ساقط است .

— و همچنین خونبها واجب است بر کسی که هر دو نشستگاه کسی را ببرد ، و کسی که انگشتان هر دو دست یا پای شخصی را ببرد و کف های او را بگذارد ، و کسی که سه

استخوان کون آدمی را بشکند و سبب آن شود که همیشه غایط از او بدرآید ، و کسی که بکارت دختری را با نگشت چنان ببرد که مثانه او دریده شود ، و کسی که کاری کند که موی سر کسی بیرون نیاید ، و کسی که پلکهای هر دو چشم کسی را ببرد ، و کسی که کاری کند که موی ریش کسی را بریزاند ، و کسی که موی های مژه هر دو چشم کسی را بریزاند ، و کسی که هر دو لب کسی را ببرد .

— و نصف خونبها واجب است بر کسی که کاری کند که موی های یکی از ابروان شخصی برود ، و کسی که یکجتم کسی را کور کند ، و کسی که یکدست یا یک ذراع یا یک بازو یا یک پا یا یک ساق یا یک لب یا یک خصیه مردی را ، یا یک طرف فرج زنی را ، یا یک طرف مقعد کسی را . یا یک گوش کسی را ببرد ، یا کاری کند که مژه یک چشم کسی برود یا یک سوراخ بینی او نشنود .

— و دو خونبها باید داد هرگاه پشت کسی را چنان بشکند که از جماع کردن بیفتد .

— و دو ثلث خونبها لازم است بر : بریدن لب پائین شخصی ، و بریدن خصیه چپ شخصی .

— و ثلث خونبها لازم است بر : بریدن لب بالای شخصی ، و زایل ساختن پلکهای پائین چشم شخصی ، و بر طرف کردن حایلی که میانه دو سوراخ بینی است ، و زبان گنگ را بریدن ، و تبر از دو سوراخ بینی شخصی گذراندن که سوراخ آن بهم نیاید ، و بریدن ذکر شخصی عینی ، و بریدن خصیه راست کسی .

— و رفع خونبها میشود در صورت : تراشیدن یکی از دو ابرو ، یا بریدن هر دو پستان ، یا برطرف ساختن موی مژه یکی از دو چشم .

— و دو خمس خونبها لازم است هرگاه کسی کاری

کند که هردو خصیه شخصی بزرگ شود ، و شکستن شانزده دندان که از دندانهای پیش نباشد .

— و چهار خمس خونیهها لازم است هرگاه کسی کاری کند که هردو خصیه شخصی بزرگ شود چنانکه قادر نباشد که در وقت راه رفتن پای ها را نزدیک گذارد .

— و دو ثلث خونیههای عضو لازم است هرگاه کاری

کند که شخصی را تا نصف روز بول منقطع شود ، و کندن ناخن انگشتان کسی .

— و دادن ده مثقال طلا لازم است در صورتیکه

منی رابی رخصت زن آزاد و دائمی در بیرون فرج او بریزند .

— و تمام خونیهها ساقط است بر کسی که خود را بر

سر کسی اندازد و خودش کشته شود ، و بر کسی که هر دو دست کسی را قطع کرده باشد آنگاه آن کس او را از روی عمد بکشد ، و بر کسی که خودش را بکشد .

— و در مورد خونیههای ولدالزنا هرگاه اظهار

اسلام کند بین مجتهدین اختلاف نظر است ، و بعضی بر آنند که مثل خونیههای جهودان است .

— و اگر خونیههای یک عضو زن به ثلث خونیههای

مرد برسد آنگاه خونیههای عضو زن نصف خونیههای عضو مرد میشود . و خونیههای زنی که حامله باشد سه ربع خونیههای مرد است ، و خونیههای مرد جهود هشتصد درهم شرعی و خونیههای زن جهود چهارصد درهم شرعی است .

— و اگر کسی سیلی بروی کسی زند که روی او سرخ

یا سیاه یا زرد شود ، اگر سرخ شود یکم مثقال و نیم طلا باید داد ، و اگر سیاه شود شش مثقال ، و اگر زرد شود سه مثقال .

— و در کشتن جهودان و ترسایان و غیر ایشان از

اصناف کفار ، کفاره واجب نیست ، همچنین بر کسی که خود